



آیا بیت کوین و ساز و کار بلاک چین موجب شکست پول فیات و ظهور پول خصوصی میشود؟

نویسنده: ویکتور وانی

ترجمه شده توسط AI

تهیه و تدوین در مدرسه اقتصاد سیاسی ایران
 @PoliticalEconomy_School

حق مالکیت به عنوان یک حق بشر بنیادی در سطح جهانی شناخته می‌شود، همان‌طور که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر آمده است. این حق به طور تاریخی با حقوق طبیعی مرتبط است. اعلامیه حقوق بشر مالکیت را به عنوان "یک حق مقدس و غیرقابل نقض" در نظر گرفته است.

بر اساس نظر شین کورتلند، جرال د گاس و دیوید اشمیدتز، در حالی که لیبرال‌های کلاسیک بر اهمیت مالکیت خصوصی توافق دارند، دیدگاه‌های آنها از تقریباً آنارشستی تا کسانی که خواهان دخالت قابل توجه دولت هستند، متفاوت است. با این حال، حقوق مالکیت به طور کلی به عنوان حقوق نسل اول در نظر گرفته می‌شوند که هدف آنها محدود کردن قدرت دولت و حفاظت از افراد در برابر تصرف است.

در مقابل، ظهور دولت اجتماعی منجر به نسبی‌سازی حقوق فردی به نفع حقوق جمعی ادعایی شده است که به دنبال آنچه "عدالت اجتماعی" نامیده می‌شود، می‌باشد. این تغییر به این معناست که هرچند حقوق

مالکیت همچنان "بنیادی" باقی مانده‌اند، اما اکنون تحت محدودیت‌ها و شرایط متعددی قرار دارند که ماهیت مطلق آنها را کاهش می‌دهد. قانون اساسی‌های مدرن، مانند قانون اساسی برزیل در چندین ماده، این محدودیت‌ها را منعکس می‌کنند و نشان می‌دهند که مالکیت اکنون یک حق نسبی به جای یک حق مطلق است.

نمونه‌های واقعی، مانند امتیاز پایین برزیل در شاخص آزادی اقتصادی در زمینه حقوق مالکیت و محدودیت‌های قانونی بر مالکیت املاک—که به عنوان "سرکوب‌شده" طبقه‌بندی شده و امتیاز ۴۹.۱ از ۱۰۰ را دارد—این محدودیت‌ها را نشان می‌دهند. مسائلی مانند تصرف زمین بدون جبران مناسب در برزیل و حتی فرمان اجرایی ۶۱۰۲ در ایالات متحده، بیشتر نشان‌دهنده محدودیت‌های اعمال شده بر حقوق مالکیت هستند.

دارایی‌های مالی به عنوان ابزاری برای بیان مالکیت فلزات گرانبها و سایر کالاها نقش مهمی در تکامل پول ایفا کردند، زیرا استفاده از کالاهای پرتقاضا باعث ظهور واسطه‌های مبادله شد، همان‌طور که کارل منگر توضیح داد. ظهور واسطه‌های مالی به جهانی شدن روش‌های

مبادله کمک کرد. با گذشت زمان، دولت‌ها شروع به کنترل پول کردند و مقرراتی را ایجاد کردند و ارزشهایی را به وجود آوردند. رها کردن نهایی استاندارد طلا در ایالات متحده در سال ۱۹۷۱ نشانه‌ای از انتقال به پول فیات بود که تنها بر اساس اعتماد سیاسی پشتیبانی می‌شود.

فرناندو اولریش اشاره می‌کند که افراد مدت‌هاست که در انتخاب ارز خود محدود شده‌اند و مجبور به استفاده از پول دولتی هستند که غالباً بی‌ارزش شده است. فردریش فون هایک از دولت‌ها انتقاد کرد که نتوانسته‌اند پول سالم ارائه دهند و هنگامی که تحت استاندارد طلا محدود نشده‌اند، از قدرت خود سوءاستفاده کرده‌اند. به هر حال، با توجه به مزایای آن به عنوان یک واسطه مبادله، پول همچنان ابراز اصلی حقوق مالکیت باقی می‌ماند و به دارنده‌ها قدرت قابل توجهی بر سایر دارایی‌های بازار می‌دهد، هم در حال حاضر و هم در طول زمان، همان‌طور که منگر بیان کرده است.

معایب ارز تحت کنترل دولت
فردریش فون هایک استدلال کرد که سیاست پولی یکی از دلایل عمده ناپایداری اقتصادی است و

خاطر نشان کرد که مدیریت امور مالی عمومی و تنظیم ارز اغلب اهداف متضادی هستند. ترکیب این وظایف تحت یک مقام واحد منجر به عواقب فاجعه بار شده است و پول را به محرک اصلی نوسانات اقتصادی تبدیل کرده و هزینه های عمومی بی رویه را تسهیل کرده است. هایک بر لزوم جداسازی سیاست های مالی و پولی برای حفظ یک اقتصاد بازار کارآمد و آزادی فردی تأکید می کند.

بیت کوین و تأثیر آن بر نظم حقوقی معاصر

تغییر از استاندارد طلا به ارز فیات باعث صدور نامحدود پول و بدهی توسط دولت ها شده است. فردریش فون هایک استدلال کرد که اگرچه کنترل تاریخی دولت بر پول به نظر توجیه پذیر می رسید، اما منجر به مشکلات قابل توجهی شده است، از جمله شیوه های انحصاری که انتخاب مصرف کننده را محدود می کند.

پیشرفت های تکنولوژیکی اخیر، به ویژه ظهور بیت کوین و سیستم بلاک چین آن، این انحصار را به چالش کشیده و امکان ایجاد "ارزهای خصوصی" را فراهم کرده است، که پیشنهاد هایک را به واقعیت تبدیل می کند.

بیت‌کوین به‌عنوان یک دارایی دیجیتال عمل می‌کند که به کنترل دولتی یا هر نوع کنترل متمرکز وابسته نیست و به افراد این امکان را می‌دهد که دارایی‌های مالی خود را بدون واسطه مدیریت کنند.

بیت‌کوین یک دارایی دیجیتال نایاب است، زیرا به‌طور منحصر به فرد در بلاک‌چین خود وجود دارد که از دوباره‌خرج کردن (double-spending) جلوگیری می‌کند. عرضه آن توسط یک شبکه غیرمتمرکز تنظیم می‌شود (با هزاران گره در سراسر جهان که مسئولیت یکپارچگی شبکه را نیز بر عهده دارند)، و اطمینان حاصل می‌کند که نمی‌توان آن را مانند ارز فیات دستکاری کرد. بیت‌کوین می‌تواند به‌عنوان یک ذخیره ارزش عمل کند و پذیرش آن در بازار، کارایی آن به‌عنوان پول را تقویت می‌کند.

معاملات می‌توانند به‌صورت همتا به همتا (P2P) انجام شوند یا از طریق صرافی‌ها، اگرچه دومی واسطه‌ها را معرفی می‌کند و کمی یکی از اصول اصلی بیت‌کوین را تضعیف می‌کند. با این حال، کاربران می‌توانند دارایی‌های خود را به کیف پول‌های خصوصی منتقل کنند تا کنترل مستقیم خود را دوباره به دست آورند.

در این *sentido*، بیت‌کوین مالکیت و کنترل مطلق بر دارایی‌ها را فراهم می‌کند و تجسم خالص‌ترین شکل حقوق مالکیت است. این ارز مستقل از حمایت دولتی عمل می‌کند و به افراد اجازه می‌دهد تا از آن به‌عنوان پول استفاده کنند، صرف نظر از تعاریف رسمی ارز. آزادی اقتصادی واقعی نیازمند توانایی مذاکره بر اساس شرایط مورد توافق دو طرف بدون انحصار دولت بر صدور ارز است.

نتیجه‌گیری

ماهیت غیرمتمرکز بیت‌کوین، که در یک شبکه جهانی ذخیره شده است، استقلال آن از مقامات دولتی را افزایش می‌دهد و حقوق مالکیت کلاسیک را تأیید می‌کند. ظهور بیت‌کوین و ساختار بلاک‌چین آن حقوق مالکیت را احیا کرده و نقطه‌ای حیاتی برای مقاومت در برابر نقض‌ها و نسبی‌سازی‌های مکرر این حقوق فراهم می‌آورد و آنها را به مفهوم کلاسیک خود نزدیک‌تر می‌کند که غیرقابل نقض هستند.

